فضای سبز شهری شاخصی برای کیفیت زندگی

سپهرغرب، گروه شهر - عباس سریشی: فضای سبز تنها آنچه در ذهن من و شما تداعی می‌شود، نیست که صرفاً شامل چند درخت و آب‌نما و تعدادی نیمکت باشد؛ بلکه پارک‌ها و بوستان‌ها نمادی از تفکرات فرهنگی و اجتماعی یک جامعه درخصوص طبیعت سبز و زنده تلقی شده و نقش پُررنگی را از دیدگاه‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌ریزی شهری ایفا می‌کنند.

درواقع با توجه به اینکه پارک‌ها و فضاهای سبز در آرامش و روح انسان تأثیر فراوان دارند، مکانی مناسب و مطمئن برای آسایش، تفریح و هم‌اندیشی‌های گوناگون خانوادگی و اجتماعی در اوقات فراغت هستند، به‌عنوان ریه‌های تنفسی شهرنشینان به‌شمار می‌آیند و اینکه یکی از مهم‌ترین محیط‌های شهری بوده‌اند، کاهش و یا فقدان آن‌ها به معنی عدم وجود تندرستی در شهرها محسوب شده و حتی باعث بروز چالش‌های اساسی در بحث سلامت شهر و شهروندان می‌شود.

از منظر کارشناسان سلامت توسعه فضای سبز شهری در جهت کاهش آلودگی هوای شهرها در کنار عواملی همچون ایجاد منابع گذران اوقات فراغت برای شهروندان، ازجمله ضروریات زندگی شهرنشینی تلقی می‌شود. این بدان معناست که فضای سبز شهری خصوصا پارک‌ها و بوستان‌ها و حتی بلوارهای شهری دارای نقش اجتماعی، اقتصادی و اکولوژیکی با مزایایی همچون درمان بیماری‌های روحی، محیطی مطلوب برای پرورش کودکان، ایجاد یک‌پارچگی اجتماعی، حفظ آسایش و غیره هستند؛ به زبان ساده فضای سبز شهری شاخصی برای ارتقای کیفیت زندگی و توسعه جامعه محسوب می‌شود.

درواقع گذران اوقات فراغت در پارک‌ها و بهره‌مندی از هوای مطبوع و دلپذیر آن‌ها در کنار سایر امکانات فرهنگی، علمی و تفرجگاهی به این دلیل که پارک‌ها و فضاهای سبز شهری دربرگیرنده اثرات تغییر فصول و حالات متفاوت، زیبا و خلاقیت است، نه‌تنها باعث تقویت روحیه شهروندان گشته، بلکه باعث به‌وجود آوردن امکانات متعدد با افق‌های وسیع برای هر فرد نیز می‌شود.

از سوی دیگر امروزه مفهوم شهرها بدون وجود فضای سبز مؤثر در اشکال گوناگون آن، قابل تصور نیست. چه اینکه شهرها به‌عنوان کانون‌های تمرکز، فعالیت و زندگی انسان‌ها برای اینکه بتوانند پایداری خود را تضمین کنند، چاره‌ای جزء پذیرش ساختار و کارکردی متأثر از سیستم‌های طبیعی را ندارند. درواقع فضای سبز به‌عنوان جزء ضروری و لاینفک پیکره شهرها در متابولیسم آن‌ها نقش اساسی را ایفا کرده که کمبودشان می‌تواند اختلالات جدی در حیات شهرها به‌وجود آورد.

سهم ما از فضای سبز

جدا از بحث فواید و تأثیرات فضای سبز شهری در زندگی اجتماعی، قطعاً موضوع سرانه فضای سبز نیز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم افزایش سطح زندگی، بسیار قابل تأمل و توجه است و اینکه با توجه به اهمیت فضاهای سبز، باید استاندارد مشخصی برای ایجاد آن‌ها در جهان وجود داشته باشد.

به اعتقاد صاحب‌نظران در اکثر کشورها میزان سرانه هریک از خدمات شهری و به‌صورت خاص فضای سبز، نشان‌دهنده میزان رفاه و کیفیت زندگی در شهرها است. با این حال سرانه فضای سبز در ایران عمدتاً با استانداردهای کشورهای دیگر متفاوت بوده و تعیین آن بستگی زیادی به خصوصیات منطقه و شهر دارد؛ زیرا کشور ما دارای اقالیم مختلفی است که باعث می‌شود این سهم و سرانه دارای تفاوت‌های نسبتاً زیادی با یکدیگر باشند، به‌طور مثال سرانه فضای سبز برای افراد ساکن در یک منطقه کویری، قطعاً تفاوت‌های بسیاری با هم‌وطنان در ناحیه پُرباران شمالی دارد.

بر اساس مطالعات وزارت مسکن و شهرسازی، سرانه قابل قبول فضاهای سبز در شهرهای ایران برای هر نفر بین هفت تا ۱۲ مترمربع است که در مقایسه با شاخص تعیین‌شده از سوی سازمان بین‌المللی محیط‌زیست که این میزان را برای هر نفر بین ۲۰ تا ۲۵ مترمربع تعریف کرده، قطعاً رقم چندان بالا و قابل قبولی نیست.

همچنین با توجه به گزارش گروه برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور مبنی بر این موضوع که زندگی سالم در جایی امکان‌پذیر است که سهم سرانه هر فرد از فضای سبز در منطقه مسکونی از ۳۰ تا ۵۰ مترمربع کمتر نباشد و شهروندان نیز نباید برای رسیدن به یک پارک یا بوستان بیش از یک ربع ساعت وقت بگذارند، اما با همه این تفاسیر و وجود مقدار سرانه مذکور به‌موازات آلودگی هرروزه و ترافیک روزافزون کلان‌شهرها و نیز توسعه ساختمان‌ها، این سؤال پیش می‌آید که آیا باید چشم‌بسته قبول کنیم که شهروندان ایرانی برای رسیدن به یک بوستان بیش از یک ربع ساعت زمان صرف نمی‌کنند و یا سرانه فضای سبز در ایران کافی و بر مبنای استاندارد جهانی است؟

برای پاسخ به پرسش فوق توجه به این موضوع ضروری است که از منظر کارشناسان یکی از نکاتی که درخصوص فضای سبز از اهمیت بالایی برخوردار بوده، مکان‌یابی آن‌هاست؛ بر این اساس که مکان‌یابی فضای سبز باید از اصولی چون مرکزیت و دسترسی تبعیت کند. مرکزیت مورد نظر به این مفهوم است که فضای سبز حتی‌المقدور در مرکز محله، ناحیه و یا منطقه شهری باشد و البته دسترسی نیز بدین معنا است که فضای سبز باید از چهار جهت به شبکه ارتباطی دسترسی داشته باشد تا بدین طریق هم جمعیت بیشتری از آن استفاده کنند و هم امکان نظارت اجتماعی و امنیت پارک افزایش یابد و بدین‌ترتیب امکان بهره‌برداری دیداری از جلوه‌های زیبای پارک برای همه رهگذران از چهار جهت فراهم شود.

درعین‌حال فضای سبز در مقیاس‌های متفاوت اعم از پارک محله‌ای، منطقه‌ای و امثال آن‌ها باید با ساختار کالبدی متناظر خود انطباق داشته باشد؛ حال با توجه به مؤلفه‌های موجود، تقریباً باید مشخص شده باشد که سهم ما از کمیت و کیفیت فضای سبز شهری موجود چقدر بوده و همین سرانه نیز تا چه میزان به استانداردهای تعریف‌شده نزدیک است.

قدم آهسته در مسیر توسعه فضای سبز

درحالی که بر اساس ماده ۲۲ قانون هوای پاک تمام شهرداری‌های کشور ملزم هستند که سرانه فضای سبز شهری خود را به بالای ۱۵ مترمربع افزایش دهند، اما فضای سبز شهری مانند همدان که در عرصه‌های کوهستانی قرار گرفته، در نهایت خوش‌بینی ۵۳۰ هکتار برآورد می‌شود که به گفته برخی مطلعین، حتی با احتساب همه اراضی مشجر طبیعی شهر، این سرانه ممکن است به مرز ۱۱ مترمربع برسد.

هرچند طی سال‌های اخیر و با تلاش شهردار در قالب ساخت بوستان‌ها و توسعه پارک‌ها تا حدودی سعی در افزایش این سرانه شده، با این حال شکی نیست که هنوز تا رسیدن به آن سطح و نقطه مطلوب راه درازی را در پیش داریم؛ از طرفی به دلیل پراکندگی این فضاهای سبز (اعم از طبیعی و دست‌ساز) موضوع سهم سرانه فردی به نسبت جمعیت بازهم از عدالت و توازن درستی برخوردار نیست.

این بدان معناست که در یک نقطه محدود اما پُربرخوردار شهر شاهد تراکم و گستره وسیعی از فضاهای سبز هستیم و درست در نقطه مقابل آن و در بخش وسیعی از شهر، تنها سرمایه و داشته‌های گیاهی محدود به همان دست‌کاشته‌های خانگی و یا باقی‌مانده باغ‌های قدیمی است؛ گو اینکه حتی اگر به همین مقدار نیز برخی فضاسازی‌های سبز مصنوعی از قبیل بلوارها، میدان‌ها و بوستان‌های کوچک را اضافه کنیم، بازهم رقم چندان معقول و مقبولی را به نسبت جمعیت ساکن در این مناطق به‌دست نخواهیم آورد که لاجرم این وضعیت در تضاد کامل با شعار توزیع عادلانه سرمایه و سهم فضای سبز به نسبت محلات و ساکنین آن‌ها قرار دارد.

موضوع دیگری که درخصوص فضای سبز شهری همدان باید به آن توجه خاص داشت، برنامه‌ریزی و تلاش ویژه در جهت کاشت گونه‌های دائمی و درخت به‌صورت انبوه است تا در سایه این حرکت، توسعه پایدار فضای سبز در شهر ما محقق شود؛ زیرا فضای سبز به‌ویژه در شکل درختی و در مقایسه با کاشته‌های فصلی نه‌تنها در کاهش آلودگی‌های هوا بسیار مؤثرتر بوده، بلکه به لحاظ سرمایه‌ای نیز مقرون‌به‌صرفه تر است.

البته نه اینکه از توجه به کاشت گیاهان فصلی غافل شده و آن را در حاشیه قرار دهیم، بلکه در مناطق شهری که روزبه‌روز نیز بر تراکم و ترافیک آن‌ها افزوده می‌شود، اهمیت درختان و گونه‌های دائمی در جذب آلودگی هوا، کاهش دما و تولید اکسیژن، بیشتر است.

جالب است بدانیم اگرچه با کاشت گونه‌های فصلی رنگ‌ها به داخل شهر آورده شده و به آن جلوه جدید داده می‌شود، اما مقایسه تطبیقی درختان با سایر اشکال گیاهی علفی و زراعی، نشان‌دهنده این است که درختان ۱۰ تا ۲۰ برابر گیاهان علفی و دو برابر گیاهان زراعی می‌توانند توان رسوب‌گیری داشته باشند.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان در بحث توسعه فضای سبز شهر همدان، توجه به این نکته بسیار ضروری است که به لحاظ نوع اقلیم و آب‌وهوای آن، باید در انتخاب نوع درختان (اعم از میوه، درختچه، درخت و غیره) نیز بسیار دقت کرده و آن‌ها را متناسب با آب‌وهوای همدان در فضاهای سبز شهر انتخاب و جانمایی کرد که البته در این خصوص نیز اخذ مشاوره از اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران حوزه منابع‌طبیعی، کشاورزی و غیره، لازم است.

نگاه تخصصی و هنری کم‌رنگ به فضای سبز

اگرچه طی سال‌های اخیر و با رویکرد استفاده از نظر هنرمندان و صاحب‌نظران و نیز نگاه‌های مدیریتی جدید ضمن کاشت گل و گیاهان فصلی، شاهد فضاسازی‌های نسبتاً خوبی در سطح شهر اعم از میدان‌ها، بلوارها و محلات همدان بوده‌ایم و به‌صورت ویژه نیز در ایام عید و حضور گردشگران این روند جلوه بیشتر و چشم‌نوازتری به خویش می‌گیرد، اما توجه به این نکته نیز ضروری بوده که مسئله طراحی و اجرای فضای سبز و همچنین نگهداری و مدیریت آن‌ها نیازمند حضور و همکاری همه افراد متخصص و صاحب‌هنر است.

باید گفت درصورت اراده جهت توسعه کمی و کیفی فضای سبز، ادامه روندهای سنتی قبلی به صلاح نبوده و در عین حال افراد نیمه‌متخصص فعلی نیز که عموماً صاحب دیدگاه‌های تک‌بعدی معماری یا باغبانی هستند، قادر به حل مشکلات فضای سبز و دادن آهنگ توسعه به آن نیستند.

اینجاست که می‌توان لزوم به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان مهندسی فضای سبز را به‌خوبی درک کرد، چراکه آن‌ها این توانایی را دارند تا قسمت زیادی از علم و فن کشاورزی مثل باغبانی، خاک‌شناسی، آبیاری و علوم پایه مثل گیاه‌شناسی را با هنر طراحی درهم بیامیزند و همچنین با دخالت دادن علم‌های مختلف در احداث فضای سبز، باعث شوند تا بازدهی آن‌ها به بالاترین حد خود برسد.

در این خصوص کارشناسان معتقدند که غلبه نگاه سنتی به همراه ضعف محاسبات مهندسی در فضاهای سبز، باعث به‌بار آمدن خسارات بسیار زیاد همچون زیان‌های ناشی از سرما، گرما و خشک‌سالی شده و این در حالی است که یک مهندس فضای سبز می‌تواند با تکیه بر دانش و مهارت خود، ضمن جلوگیری از بروز خسارات، سعی کند با ترکیب شکل‌ها، رنگ‌ها و بافت‌ها و ضمن درنظر گرفتن اصولی مثل سادگی، تنوع، تکرار و مقیاس، مناظری را به‌وجود آورد که بی‌نظیر باشند. درحالی که امروزه در بحث فضای سبز با این خصایص بسیار کم برخورد می‌کنیم.

در گفتگو با تعدادی از همشهریان این‌گونه برداشت می‌شود که در سال‌های اخیر و به لطف تلاش و کوشش و نیز دقت نظر مدیران و مجریان، شاهد انجام پروژه‌ها و طراحی‌های زیبایی در سطح شهر بوده‌ایم که انصافاً جای تشکر دارد؛ با این حال اما در جمع‌بندی نظرات آن‌ها این‌گونه به نظر می‌رسد که:

۱- در نقاط حاشیه‌نشین هنوز رویکرد و نگاه جدی و مشخصی برای توسعه فضای سبز وجود نداشته و ساکنین این مناطق عملاً در حاشیه فراموشی و بی‌توجهی قرار دارند.

۲- بیشترین حجم هزینه‌کردها و بازسازی‌ها و توسعه مربوط به مناطق پُربرخوردار شهر است که این موضوع با اصل عدالت توزیعی منافات دارد.

۳- به اعتقاد بیشتر مصاحبه‌شوندگان توجه به پوشش گیاهی پایدار (درختان) باید در اولویت همه برنامه‌ها باشد.

۴- در بحث کاشت گیاهان و پوشش‌های فصلی باید از طراحی‌های جدید و نوین استفاده شود.

۵- هنوز موضوع نگهداری فضاهای سبز شهری (آبیاری، سم‌پاشی، هرس کردن و غیره) جای کار بسیار دارد.

۶- در انتخاب نوع درختان بر اساس اقلیم و آب‌وهوای شهر باید دقت بیشتری شود.

۷- کاشت جایگزین و نوسازی برخی از فضاهای سبز قدیمی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

۸- هنوز به بحث ایجاد و توسعه کمربند سبز شهری ورود قابل قبولی نداشتیم.

۹- در برخی نقاط مانند میدان امام (ره) و پیاده‌روها مقوله فضای سبز بسیار محدود و ساده و حتی بی‌روح تعریف و اجرا شده است.

۱۰- هنوز در مقوله فرهنگ‌سازی و جلب مشارکت عمومی برای توسعه و حفظ فضاهای سبز برنامه مشخص و جامعی نداریم.

۱۱- هنوز درخصوص ایجاد فضاهای سبز تخصصی (گیاهان دارویی، میوه، گل و غیره) شاهد حرکت مشخص نبودیم.

۱۲- در بحث ایجاد فضای سبز در مدارس و دانشگاه‌ها با رویکرد بنیان‌سازی فکری و فرهنگی تلاش مؤثری نکرده‌ایم.

۱۳- در بیشتر موارد حرکات ما در این حوزه مقطعی، تبلیغاتی و غیر مستمر و غیر مثمر ارزیابی می‌شود.

بالکن خانه‌ها؛ ویترین شهر ما

برای آن‌ها که در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند، داشتن یک بالکن هرچند کوچک برای استنشاق هوای تازه فرصتی است که باید آن را غنیمت شمرد، به شرطی که فقط برای پهن کردن لباس یا گذاشتن وسایل دورریختنی از آن استفاده نشود، اما حالا مدت‌هاست چهره بالکن‌ها دستخوش آشفتگی شده است.

بالکن‌هایی که پُر شده از وسایل دورریختنی، شیشه‌های ترشی، لوله بخاری، نردبان، کارتن‌های خالی، اشیای اضافه و لباس‌های رنگارنگی که روی بند پهن است.

این روزها که زندگی شهری در آپارتمان‌های قوطی‌کبریتی اقامت در خانه‌های حیاط دار را به آرزویی برای شهروندان تبدیل کرده است، اهمیت بالکن در خانه‌ها بیشتر به چشم می‌آید؛ بالکنی که تنها فضای آزاد خانه است، گاهی کارکردش مورد غفلت اهالی خانه قرار می‌گیرد تا جایی که حتی فراموش می‌کنیم با کمی وقت گذاشتن و سلیقه به خرج دادن می‌توان آن را به فضایی زیبا و آرامش‌بخش تبدیل کرد. آنچه امروز از نمای بالکن خانه‌ها در شهر می‌بینیم، نشان می‌دهد آن‌ها مدت‌هاست از کارکرد واقعیشان فاصله گرفته‌اند، بالکن خانه‌ها که باید مایه آرامش بصری رهگذران باشد، حالا کلکسیونی از وسایل دورریختنی شده است.

بالکن یا انباری

انگار دیگر بالکن‌ها وظیفه‌ای ندارند جزء اینکه نمای آشفته شهرمان را بیشتر برهم بریزند. اگر شما هم بالکنی دارید که از آن به‌عنوان انباری استفاده می‌کنید، بد نیست حداقل برای یک‌بار هم که شده از بیرون خانه به نمای آن نگاه کنید. بعید می‌دانیم از دیدن آن صحنه احساس خوبی به شما دست بدهد؛ متأسفانه کم نیستند شهروندانی که بالکن خانه‌هایشان کارکرد انباری کوچکی پیدا کرده، انباری که در آن همه‌جور خرت‌وپرتی پیدا می‌شود، به اضافه چند ردیف بند با لباس‌های رنگارنگی که روی آن پهن شده و در این میان اوج ابتکار صاحب‌خانه پوشاندن نمای بالکن به‌وسیله یک صفحه ایرانیت، نایلون یا پارچه است که به خیال خودش نمایی ایده‌آل درست می‌کند، غافل از اینکه نه‌تنها راه حل مناسبی برای زیبایی نمای بالکن نیست، بلکه نمای بیرونی خانه درنظر رهگذران بیشتر شبیه یک سمساری می‌شود.

اینقدر این صحنه را دیده‌ایم که دیگر خودمان هم باورمان شده بالکن همان انباری کوچک خانه ماست. این بالکن‌ها تنها کارکردشان ایجاد آشفتگی بصری در شهر و آزار روحی رهگذران بوده، حالا دیگر تراس خانه‌ها مکانی است برای پهن کردن لباس‌هایی که باعث آلودگی بصری شده که قرار دادن اشیای اضافه داخل در آن، باعث ناهمگونی فضای شهری می‌شود. پهن کردن لباس‌ها و تلمبار کردن وسایل دورریختنی در تراس به‌جزء کریه کردن نمای ساختمان برای رهگذران، چهره شهر را نیز زشت خواهد کرد.

یادمان باشد چیدن لباس‌ها و قرار دادن بند لباس هم اصول خودش را دارد. تصور کنید اگر هرکس هرطور که بخواهد بندی بزند و لباس‌های رنگارنگ را روی آن پهن کند، چه منظره وحشتناکی خواهیم داشت. پس اگر از آن شهروندانی هستید که فکر می‌کنید نمای بیرونی ساختمان به شما ارتباطی ندارد و ایجاد حس خوب در عابران پیاده وظیفه شما نیست، باید بدانید نظرتان کاملاً اشتباه است. بالکن اتفاقاً بخشی از نمای بیرونی خانه و جزء فضای عمومی شهر بوده که به دلیل در معرض دید دیگران بودن، پاکیزگی و زیبایی آن یک وظیفه شهروندی است.

بالکن‌هایی در مسیر بی‌هویت شدن

خیلی از بالکن‌های شهر ما سرنوشت تلخی پیدا کرده‌اند، آن‌ها که قرار بود روزی فضایی برای آرامش و آسایش اهالی خانه باشند، حالا به مکان دنجی برای جمع کردن دورریزها تبدیل شده‌اند؛ بالکن واژه‌ای فرانسوی است که با معماری غربی وارد کشورمان شده، درحالی که پیش از ورود بالکن به خانه‌ها، تراس که در اصطلاح به آن بهارخواب نیز گفته می‌شد، وجود داشت. بالکن پیوندی بین خانه و محیط پیرامون است و طراحی آن با این هدف بوده که در فضای آن اهالی خانه صندلی بگذارند، چایی بنوشند، مطالعه کنند یا برای دقایقی باهم گپ بزنند.

تاریخچه پیدایش بالکن‌ها بی‌ارتباط با بحث شهرنشینی امروز نیست که با ورود زندگی آپارتمان‌نشینی به شهرها، فضای بدون استفاده‌ای در خانه به بالکن اختصاص داده شد.

ساخت بالکن‌ها در آپارتمان‌سازی‌های امروزی بیشتر یک رفع تکلیف شده است، چراکه بالکن‌ها نه‌فقط کارکرد واقعی خود را از دست داده‌اند، بلکه به نظر می‌رسد هویت واقعی خود را نیز از دست داده‌اند. آن‌ها نه‌تنها منظره جالبی مقابل دید رهگذران ندارند، بلکه به انباری از وسایل دورریختنی تبدیل شده‌اند.

در بسیاری از شهرهای دنیا به دلیل اینکه بالکن‌ها بخشی از فضای عمومی شهر محسوب می‌شوند، شهروندان باید نسبت به نظافت، پاکیزگی و آراسته نگه داشتن آن فعال باشند و درصورت کوتاهی، از سوی شهرداری‌ها جریمه می‌شوند.

ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها به‌صراحت تأکید می‌کند که بالکن‌ها بخشی از فضای عمومی شهر هستند و شهروندان باید از هرگونه اقدامی که موجب آلودگی بصری در نمای عمومی شهر می‌شود، خودداری کنند. جریمه‌ای هم در آن برای شهروندان متخلف درنظر گرفته شده، اما متأسفانه این بند از قانون به دلیل نداشتن ضمانت اجرایی، هیچ‌وقت اجرا نشده؛ چندی است یک فناوری جدید به کمک بالکن‌ها آمده تا شاید بتواند هویت ازدست‌رفته بالکن‌ها را به آن‌ها بازگرداند.

در فناوری جدید طراحی شیشه‌ای برای فضای بالکن‌ها درنظر گرفته شده تا فضای آن جزئی از خانه به‌شمار بیاید و شهروندان برای آراسته نگه داشتن آن رغبت بیشتری به خرج دهند و خود را نسبت به بالکن‌ها که بخشی از فضای عمومی شهر به‌شمار می‌روند، مسئول بدانند و بی‌تفاوت نباشند.

راهکارهایی برای زیبایی بالکن

اگر بالکن یا لبه پنجره را ویترین هر خانه‌ای درنظر بگیریم، پس بهتر است برای جلوه بخشیدن به آن از زیباترین وسایل کمک بگیریم؛ زیبا کردن بالکن خانه‌ها یک مسئولیت شهروندی است. برای این کار نیازی به هزینه‌های اضافی نیست، چراکه می‌توانیم با کمترین هزینه در بالکن خانه خود محیطی زیبا و دل‌انگیز بسازیم. برای این منظور نخستین کار استفاده از گل‌ها و گیاهان طبیعی است، آن‌ها علاوه بر دادن زیبایی و جلوه‌ای خاص به بالکن، رایحه‌ای خوش در فضا ایجاد می‌کنند. سعی کنید گل‌های تزئینی و گیاهان رونده را انتخاب کنید. با قرار دادن یک میز کوچک و تعدادی صندلی یا یک زیرانداز، خوردن چای و قهوه در محیطی آرام‌بخش را از دست ندهید، چیدمان، جنس و نوع وسایل انتخابی در بالکن کاملاً به سلیقه شما بستگی دارد.

اگر بخواهید بالکن شبیه باغی کوچک شود، می‌توانید کف آن را با چمن مصنوعی و سنگ‌های درشت تزئین و از چوب طبیعی برای دکوراسیون استفاده کنید؛ با این کار بالکن زیباتر شده و افراد خانواده علاقه‌مند می‌شوند که وقت بیشتری در آن بگذرانند. افراد باذوق برای تنوع، حصیرهای قدیمی را رنگ می‌کنند یا برای آنکه بالکن سنتی‌تر به نظر برسد، از گل بامبو استفاده می‌کنند، گذاشتن قفس پرندگان یا یک مجسمه کوچک به بالکن خانه شما جلوه بیشتری می‌بخشد.

اکنون نوبت شماست

دست‌کم سهم هر خانه در زیبایی شهر، آراستگی بالکن آن است. شاید شما این جمله را روی بیلبوردهایی که در بزرگراه‌های شهرمان نصب شده، دیده باشید.

این جمله تلنگری است تا وظیفه شهروندی ما را گوشزد کند. اینکه همه ما در برابر آرامش و آراستگی محل زندگی‌مان مسئول هستیم. یکی از این موارد تمیز نگه داشتن بالکن‌های رو به خیابان‌ها و کوچه‌هاست که وظیفه تک‌تک شهروندان بوده تا از این طریق به داشتن شهری زیباتر کمک کنند که می‌تواند محیطی آرامش‌بخش و دل‌نشین را برای ساکنان خانه نیز فراهم آورد. اگر بالکن هم ندارید یا نمی‌توانید در بالکن گل و گیاه بگذارید، خوب است از فضای پشت پنجره‌ها غافل نشوید. با اینکه این فضا بسیار کوچک است، اما با قرار دادن گلدان‌های مناسب و با اندازه مورد نظر می‌توانید محیطی بسیار زیبا ایجاد کنید؛ محیطی که نه‌تنها عابران و کسانی که خارج از خانه هستند از آن لذت خواهند برد، بلکه حس و حال شما را نیز تغییر می‌دهد.

از شهروندانی که کمی سهل‌انگارانه وظیفه شهروندی خود را در قبال بالکن خانه‌شان نادیده گرفته‌اند، گفتیم؛ بد نیست از شهروندانی هم که بالکن خانه‌شان (هرچقدر هم کوچک) را به‌جای کلکسیونی از لوازم دورریختنی، با گلدان‌های گل به رنگ قرمز، زرد و صورتی با برگ‌های سبز و شاداب آراسته و فضایی دل‌انگیز را به چشم و دل رهگذران هدیه می‌دهند، قدردانی کنیم. قطعاً هرکسی که از جلوی این خانه‌ها رد شود، نگاهی از سر تحسین و لذت به آن منظره خواهد انداخت و به ذوق و هنر صاحب‌خانه آفرین خواهد گفت. فراموش نکنیم بالکن خانه‌مان جزء فضای شخصی نیست که اجازه داشته باشیم برای استفاده شخصی آن‌ها را به هر شکلی درآوریم؛ با این کارمان زخم دیگری به آشفتگی بصری شهر نیفزاییم.
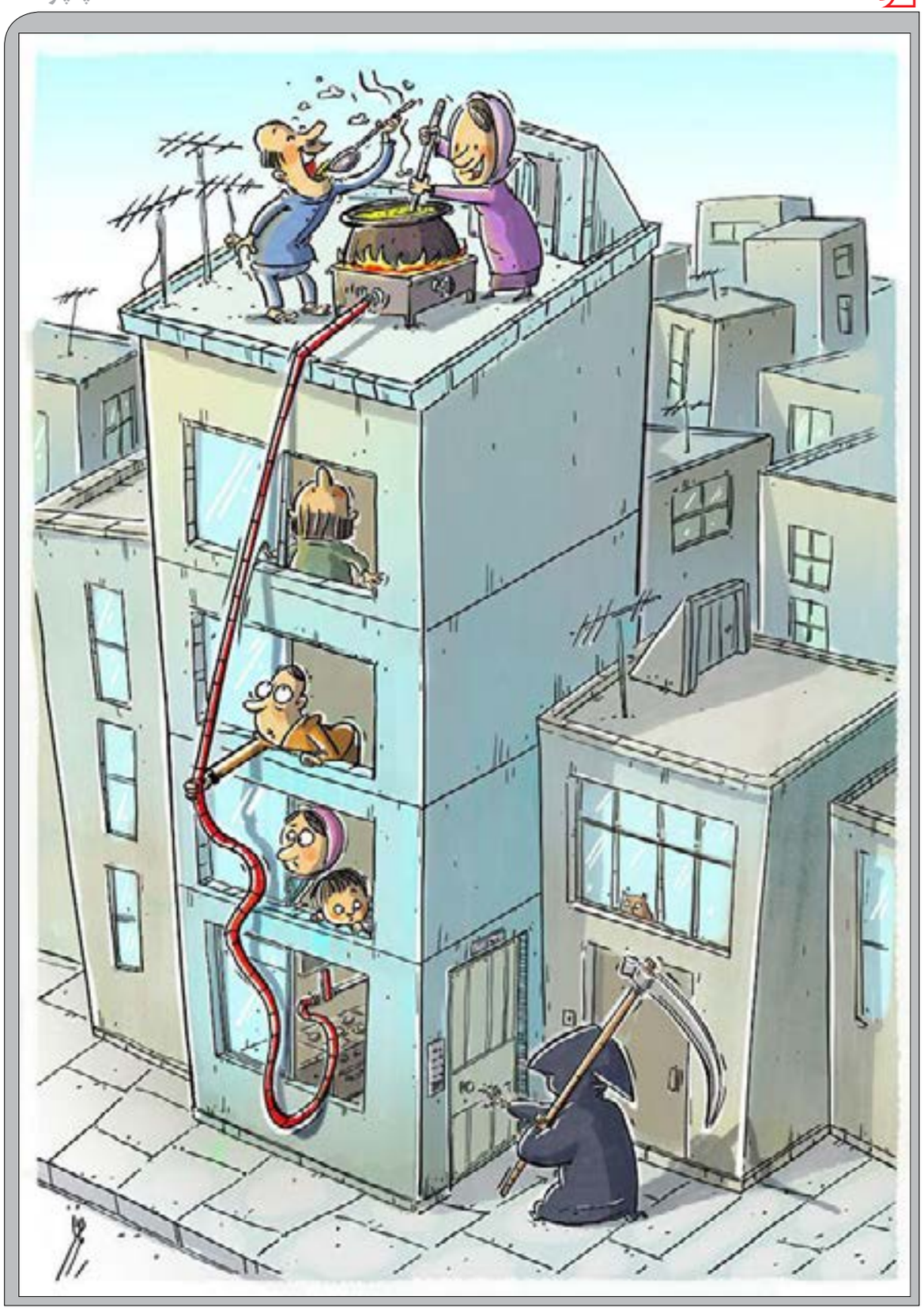
پنچره